



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۸/۰۸/۲۰



م. عارف عباسی

## کشتارهای بی حساب، ویرانی و بربادی توسط اولاد خود افغانستان



عذر من بپذیرید که من را کوتاه نویسی عادت نیست. کی میتوان غصه ها، درد ها، پریشان حالی و بحران خطیر و ظنم را به یک جمله و یا یک پارا گراف خلاصه نمایم. وضع المناک و اسفناک سی و شش ملیون هم وطنم را که مولود بسی عوامل و انگیزه ها است محتاج ارزیابی و تحلیلی است که از توان فهم و قدرت قلم ام بالاتر است. متن مختصر عرایض من که خدمت شما به کمال عجز تقدیم می دارم:

از چهل سال بدین سوکردار، اعمال جنایات، ظلم استبداد، کشتار های بی حساب ویرانی و بربادی توسط اولاد خود افغانستان برای جاه طلبی و کسب قدرت و یا زمینه سازی برای تجاوز و اشغال بیگانه عواملی عمده است که خلاق بحران لاینحل کنونی افغانستان و مصائب و تیره روزی های ناشی از آن است که هر آن هراس متلاشی شدن نظام متصور بوده و کشور را در لبه پرتگاه سرنوشتی و نابودی قرار داده.

آرزومندی های بهبود، اصلاح و تغییر و عادی شدن حال جزء خواب و خیال و محال گردیده و امید ها متدرجاً به یأس میگرداید. درب های بیرون رفت یکی پی دیگر به روی مردم بسته شده زندگی فقط به در حال ناامیدی به شب و روز گذرانیدن خلاصه میگردد. امکانات تغییر وضع و نجات وطن از احوال اسفناک و رقت بار غیر انسانی با گذشت هر ماه و سالی غیر عملی بنظر می آید. هر فرزند با احساس، مسؤول و نگران حال زار و وخیم وطن در درون و بیرون در این اندیشه اند که تا به کی در این لجن زار فساد و بی عدالتی زیستن راه بوستان و مرغزار زندگی آرام، مطمئن، بی هراس و با عزت و با وقار کجاست؟ امید قوی به سوی آدم ها است، آدم های نیک، پاک، با اعتبار، انسان دوست و وطن پرست و از خود گذر که با نیروی تعقل و اندیشه های والای انسانی تدبیر رهایی از این وضع نموده احوال را خردمندانه و عاقلانه ارزیابی نموده و جواب هر چرا را معقول و منطقی دریابند و برای درهم شکستن طاغوت اسارت و استبداد ایثار نمایند.

این آدم ها وجود دارند ولی فاقد توان مندی گرد هم آیی و تشکل اند که راز اصلی موفقیت در آن نهفته، چرا؟ بخاطری که اهریمن های تفنگدار و ملیشه والا با کاربرد حیل، تزویر و تطمیع و یا واهمه آفرینی راه چنین هم بستگی را بسته

اند، قشر آگاه، دانا و مترقی بخاطر صیانت عزت و شرف و نام و نشان خود نمی خواهند به سرنوشت احمد ایلچی، اکبر بای و محکومین شورای نظار دچار شوند و توان ستیز با زورمندان ستم پیشه ندارند.

هم وطن!

ما وشما تمام وحشت، بربریت، قتل عام، ویرانی، بربادی، ستم و ظلم چهارده سال سردمداری حزب نام نهاد دموکراتیک خلق را به چشم سر دیدیم و همچنان شاهد سرنگونی و سقوط آن بودیم و همچنان جنایات چند تن بی وجدان خود فروخته رؤسای تنظیمیه را با اعمال ضد انسانی شان زیر شعار اسلام از انظار ما پوشیده نماند و همچنان دلبستن به طالبان امید واهی بوده امنیت در بهای از دست دادن ارزش های مدنی و انسانی تأمین شده افغانستان به مستعمره قدرت منطوقی در آمد. به هزاران سانحه این جنایت در دشت ها و دامان کوه ها ناگفته و ناشنیده مدفون گردید.

البته با تحلیل و فهم مکتب، فلسفه و وظایف سپرده شده به رهبران هر دوره چهل سال قبل توسط باداران شان و سطح فهم و دانش و شخصیت دو گروه بعد از نوکران شوروی آن چه کردند خلاف توقع نبود.

مسلماً هر دوره و هر جاکمیت در بدبختی ها تیره روزی ها، فلاکت و درهم پاشیدن شالوده زندگی مردم افغانستان نقش کوبنده و صدمات جبران نا پذیر داشت، ولی جنایتی که کرزی در حق این وطن در طول ۱۳ سال حکومت خود کرد عامل حقیقی و بنیادی بحران همه جانبه کنونی افغانستان است.

این نابسامانی فعلی طلب خود مختاری ها، خواست تغییر نام کشور، تجزیه طلبی ها و تهدیدات قیام های مسلح و انتلافات نا مقدس بین جانیان معلوم الحال مولود سیاست های عمدی و غیر ملی حامد کرزی است، کرزی وقتی عنان قدرت به دست گرفت که کوه و برزن و حجر و شجر افغانستان چه رسد به مردم آن امیدواری ها، انتظارات و توقعات بی حد برای تغییر وضع و بهبود حال داشتند و این مرحله را پایان همه بدبختی خود می پنداشتند. در واقعیت شرائط از هر لحاظ برای برای برآورده شدن این آرزومندی ها و انکشاف سریع اقتصادی و اجتماعی مطابق یک طرح مؤثر و عملی با تصنیف اولیت ها وجود داشت، ولی برعکس سردرگمی و عدم یک سیاست مشخص و هدف مند انکشافی نا پیدا بود، در حالی که بلیون ها بلیون دالر در این کشور بطور بی سابقه سرازیر شد اهل فن و تخصص در هر رشته موجود اگر ده فیصد این کمک ها برای ارتقای سطح زندگی مردم، کاریابی و فقر زدایی مصرف می شد افغانستان به گلستان منطقه تبدیل می شد. کرزی دریا های خروشان افغانستان را نادیده گرفته و به پروژه های قابل ترمیم توجه نکرده در بخش انرژی ما را در اسارت ازبکستان، تاجکستان، ترکمنستان و ایران قرار داد.

• در حکومت حامد کرزی فساد همه جانبه به نحو چور چپاول و غارت به حد غیر قابل باور و افراطی آن عمداً گسترش یافته نه تنها کمک های اقتصادی ممالک به کیسه زور مندان یار و یاور کرزی و اعضای خانواده های شان ریخت بلکه توريدات مواد اولیه و حیاتی در انحصار دوستان و رفقای کرزی و اقارب شان قرار گرفت و قرار داد های باز سازی در تصاحب منتفدین سیاسی در آمد. روزانه میلیون ها دالر بطور علنی از میدان هوایی کابل روانه بانک های خارج می گردید. برادر کرزی و برادر قسیم و تنی چند دیگر سرمایه یک هزار میلیون دالر کابل بانک را غارت کردند

- دزدان با پشتاره با دوسیه های با ثبوت مورد حمایت کرزی قرار گرفته برای شان مصونیت داده شد.
- تقرر در مقامات مهم دولتی در داخل و خارج مطابق رسم خویشاوندی و وابستگی زورمندان صورت گرفت و جای

اهلیت و کفایت و تخصص مسلکی را گرفت. اقارب دور و نزدیک شخص کرزی بدون در نظر داشت اهلیت، فهم و دانش به کار های روغنی و پر عاید تقرر یافتند.

- از محاکمه، مؤاخذه و پرسان خبری نبود جانین جنگی بیشتر می غریبند و در سزده سال یک وزی، معین، رئیس، والی، قاضی، خرنوال، قوماندان قطعه ویا قوماندان امنیه به جرم سوء استفاده، اختلاس و یا رشوه محاکمه نشد.
- کرزی با امتیاز بخشیدن بی حد و اندازه به شورای نظار و کرنش بیش از حد به رهبران آن و حزب جمعیت و سپردن مقامات بلند نظامی، امنیتی و سفارت ها به آن ها تفرقه قومی را دامن زد.
- غصب دارایی عامه و اراضی متعلق به دولت توسط حامیان کرزی متداول گریده علی الرغم دوسیه های قانونی این جایداد ها مسترد نشده و مرتکبین آن مجازات نشدند.
- کرزی بر اساس عوامل مرموزی از یک موتر ران بی سواد مارشال ساخته و اورا معاون اول ریاست جمهوری ساخت و در توصیف او اغراق نموده او را می پرسنید.
- سیاست خارجی وی ناکام و سوداگری با وقار و آبرو و عزت افغانستان بود.
- ملت به زیر نام دموکراسی و حقوق بشر بطور بی سابقه مورد ظلم و ستم قرار گرفته جرأت صدا بالا کردن از ایشان سلب شد.

این فهرست دامنه دار است ، اما در کل در سیزده سال کرزی بناء یک فرهنگ آلوده و ملوثی را ماند که زنجیر های چند لا را دور گردن ملت آویخته و آنها را به اسارتی کشانید که انهدام این بنای فرهنگی آلوده کرزی و رهایی از این اسارت از توان این و آن بالاتر است.

من حتی الوسع سعی می ورزم که از اطلاق کلمه خائن به کسی بپرهیزم که باید بر اساس فیصله و حکم یک محکمه عدلی باشد، ولی در جهان امروز افکار عامه بر اساس شواهد عینی و تاثیرات ناگوار اعمال یک زمام دار بر ملت و مملکت با صلاحیت ترین محکمه بوده و به من حق می دهد که بگویم کرزی در حق وطنم و مردمش خیانت کرده و عامل بنیادی و اساسی این وضع بحرانی، رقت بار، تیره و سیاه و سوق افغانستان به سوی بربادی دوره ۱۳ سال زمام داری او است که باید محاکمه شود.

راه بیرون رفت سراغ نمی گردد. از کجا که امریکا برای پایان بخشیدن به این جنگ نا فرجام هژده ساله بدون هیچ گونه دست آوردی به تضمین عربستان سعودی و پاکستان با طالبان به توافق نرسیده باشد.

پایان

